

دستگیری عاملان سنگ پرانی به قطار

گروه حوادث/ ۶ مرد جوان که با سنگ پرانی به قطارهای مسافریبری باعث ایجاد رعب و وحشت و خسارت به مسافران و قطار شده بودند از سوی پلیس به دام افتادند.

سرهنگ فریبرز مردانی، رئیس پلیس راه آهن شمال ۲ کشور با اعلام این خبر گفت: در پی اعلام متصدیان پائل ایستگاه راه آهن قزوین مبنی بر اینکه افرادی ناشناس با سنگ پرانی به قطارهای عبوری اقدام به شکستن چند جام شیشه‌های دیزل و واگن قطارهای عبوری می‌کنند، بلافاصله با توجه به حساسیت موضوع شناسایی و دستگیری مخلان نظم و امنیت در دستور کار مأموران پلیس راه آهن قزوین قرار گرفت.

وی با بیان اینکه ادامه این روند خطرات جانی و مالی برای مسافران و راه‌آهن و همچنین ایجاد رعب و وحشت مسافران داخل قطار را به همراه داشت افزود: مأموران پلیس راه آهن قزوین با اقدامات اطلاعاتی و مراقبت‌های نامحسوس در کیلومتر ۱۳۱ تا ۱۳۴ محور ریلی قزوین- کهنذ محدودده شهری شریفیه و بیدستان موفق به شناسایی و دستگیری ۶ نفر از عاملان سگ‌پرانی شدند.

متهمان با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

پایان ۴ ماه زندگی مخفیانه زن و شوهر قاتل

گروه حوادث/ زوج جوان که به خاطر اختلاف مالی با مرد تهرانی وی را در چاهپار به قتل رسانده بودند پس از حدود چهار ماه فرار در زاهدان دستگیر شدند. سردار «احمد طاهری»، جانشین فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان در تشریح این خبر گفت: روز ۱۲ خرداد امسال اهالی یک مجتمع مسکونی در شهرستان چابهار، در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ از انتشار بوی تعفن داخل ساختمان خبر دادند که بلافاصله مأموران به محل اعزام شدند. با حضور مأموران انتظامی در محل مشخص شد منشأ بو از داخل یکی از واحدهای مجتمع است که چند ماه قبل توسط یک زوج جوان اجاره شده است. با توجه به اظهارات اهالی ساختمان که چند هفته از این زوج خبر نداشتند و همچنین با توجه به خاموش بودن تلفن همراه آنها، مأموران با هماهنگی قضایی وارد واحد استیجاری آن‌ها شده و جسد متعفن مردی ۶۷ ساله را که بر اثر اصابت گلوله به قفسه سینه به قتل رسیده بود کشف کردند. سردار طاهری در ادامه گفت: با توجه به اهمیت موضوع تیمی مجرب از کارآگاهان پلیس آگاهی استان مأمور رسیدگی به پرونده شدند و در نتیجه تحقیقات تخصصی خود دریافتند که این پیرمرد توسط این زوج جوان به قتل رسیده است. این مقام ارشد انتظامی با اشاره به اینکه این زوج پس از قتل پیرمرد اقدام به سرقت کارت‌های بانکی و خودرو او کرده بودند، گفت: با بررسی صورت گرفته مشخص شد آن‌ها در چند مرحله در شهرستان‌های مختلف استان قصد برداشت وجه از کارت بانکی مقتول را داشته و خودرو او را نیز چند روز پس از ارتکاب به قتل در شهرستان ایرانشهر رها کرده بودند. او بیان داشت: تلاش پلیس برای دستگیری این زوج متواری ادامه داشت تا اینکه چند روز قبل مخفیگاه آن‌ها در یکی از محلات شهرستان زاهدان شناسایی شد و متهمان طی یک عملیات ضربتی و غافلگیرانه دستگیر شدند. جانشین فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان بیان داشت: این زوج جوان پس از انتقال به پلیس آگاهی به جنایت خود اعتراف کردند و اظهار داشتند چند سالی با مقتول که اهل تهران بود و در خانه‌ای مجردی در شهرستان چابهار ساکن بوده ارتباط کاری داشته اند اما با وی اختلاف مالی پیدا کرده و شب حادثه برای برطرف کردن یکسری اختلافات مالی وی را به خانه خود دعوت کردند که پس از مشاجره لفظی با شلیک کلت کمری او را به قتل رسانده و با سرقت کارت‌های بانکی و خودرو او از چابهار متواری شدند.

تمدید گذرنامه دست متهم را رو کرد

گروه حوادث/مرد جوان که با کارت پایان خدمت جعلی قصد داشت گذرنامه‌اش را تمدید کند از سوی پلیس دستگیر شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، دوم مهر فردی برای دریافت گذرنامه به معاونت گذرنامه پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ مراجعه کرد و خواستار تمدید گذرنامه‌اش شد. اما در بررسی‌های پلیسی مشخص شد کارت پایان خدمت وی جعلی بوده است. بدین ترتیب با تأیید جعلی بودن کارت پایان خدمت این مرد، گذرنامه وی توقیف شد. متهم که مدعی بود از جعلی بودن کارت پایان خدمتش بی‌خبر است، در نهایت در تحقیقات پلیسی اظهار داشت، در سال ۸۲ با پرداخت ۳ میلیون تومان به فردی که از طریق دوستانش با وی آشنا شده بود و در زمینه جعل اسناد دولتی فعالیت داشت، کارت پایان خدمت جعلی گرفته است و در همان سال نیز موفق به دریافت گذرنامه شده است. براساس این گزارش، بلافاصله پرونده‌ای تشکیل و متهم برای سیر مراحل قانونی به دادسرای ناحیه ۳ تهران معرفی شد و تحقیقات پلیسی برای شناسایی و دستگیری جاعل کارت پایان خدمت ادامه دارد.

نجات معجزه‌آسای جوانی که تلفن همراه خورده

گروه حوادث/ جوان مصری که در یک شوخی عجیب گوشی تلفن همراهش را بلعیده بود، پس از ۷ ماه در یک عمل جراحی موفقیت آمیز، پزشکان توانستند گوشی را از معده او خارج کنند. به گزارش العربیه، حسن رشاد جوان ۲۸ ساله مصری مدتی قبل

به خاطر درد معده به پزشک مراجعه کرد اما پزشکان پس از عکسبرداری در کمال ناباوری متوجه وجود یک گوشی تلفن همراه در معده او شدند. این بیمار به پزشکان گفت که ۷ ماه پیش در جریان یک شوخی با دوستانش، این تلفن همراه را بلعیده و تصور می‌کرده که هر وقت بخواد، می‌تواند از طریق استفرغ کردن، آن را از دهانش خارج کند. او در این باره به خانواده‌اش حرفی نزده بود و همزمان همه تلاش‌هایش برای خارج کردن تلفن همراه از معده‌اش انجام داده اما موفق به این کار نشده بود و در نهایت به بیمارستان مراجعه کرد. پزشکان بیمارستان طی یک عمل جراحی اورژانسی که حدود دو ساعت طول کشید تلفن همراه را از معده این جوان خارج کردند. جراح این عمل گفت: سرنوشت با این بیمار مهربان بود که باتری این تلفن همراه داخل بدن او متلاشی نشده و او را مسموم نکرده بود. باتری تلفن همراه ممکن بود داخل معده این جوان متعجر با متلاشی شود که به طور قطع جان او را می‌گرفت.

جراحی زیبایی داماد

شرط دختر جوان برای ازدواج

گروه حوادث/ پسر عاشق پیشه وقتی

فهمید دختر مورد علاقه‌اش به‌خاطر قیافه به او جواب رد داده است دست به سرقت زد تا هزینه عمل‌های زیبایی چهره‌اش را فراهم کند. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل خبر دستگیری یک سارق گوشی قاپ به مأموران پلیس اعلام شد. وقتی مأموران به محل دستگیری رفتند زن جوانی که شاکي بود گفت: از بازار میوه و تره بار که خارج شدم در حال صحبت با تلفن همراهم بودم که موتورسواری با سرعت از کنارم رد شد و گوشی تلفن همراهم را قاپید. در حالی که شوکه شده بودم شروع به داد و فریاد کرده و از مردم کمک خواستم.

چند موتورسووار و راننده یک خودرو که شاهد این ماجرا بودند به تعقیب سارق موتورسووار پرداختند وی که با کلاه کاسکت صورتش را پوشانده بود، در حال فرار بود که ناگهان با خودروی نیسانی برخورد کرد و تعادلش را از

دست داد و به زمین افتاد و دستگیرش کردند.

■ **کشف گوشی‌های مسروقه**

مرد موتورسوار که هنگام سرقت دستگیر شده بود سعی داشت منکر ماجرا شود اما در بازرسی بدنی از او نه تنها گوشی تلفن همراه زن جوان، بلکه چندین گوشی تلفن همراه مسروقه دیگر کشف شد. با شناسایی مال‌یخته‌ها ویرملایی‌راز مأموران به محل دستگیری رفتند زن جوانی که شاکي بود گفت: از بازار میوه و تره بار که خارج شدم در حال صحبت با تلفن همراهم بودم که موتورسواری با سرعت از کنارم رد شد و گوشی تلفن همراهم را قاپید. در حالی که شوکه شده بودم شروع به داد و فریاد کرده و از مردم کمک خواستم.

چند موتورسووار و راننده یک خودرو که شاهد این ماجرا بودند به تعقیب سارق موتورسووار پرداختند وی که با کلاه کاسکت صورتش را پوشانده بود، در حال فرار بود که ناگهان با خودروی نیسانی برخورد کرد و تعادلش را از

■ **گفت‌وگو با متهم**

■ **چند وقت است سرقت می‌کنی؟**

تازه شروع کردم. اما من سارق سابقه دار و حرفه‌ای نیستم من لیسانس دارم از



خانواده آبروداری هستم اما به خاطر عشق و عاشقی مجبور به دزدی شدم.

یعنی چی که به خاطر عشق و عاشقی دزد شدی؟

مدتی قبل در یک میهمانی شبانه با دختری آشنا شدم. خیلی زود مهرش به دلم افتاد و تصمیم به ازدواج گرفتم من تحصیلکرده هستم و در شرکتی خصوصی مشغول به‌کارم. پدرم نیز قول داده بود که برای ازدواج کمکم می‌کند. بعد از مدتی وقتی به او پیشنهاد ازدواج دادم با جواب منفی او روبه‌رو شدم. هر چه بیشتر به او ابراز علاقه می‌کردم او کمتر به من توجه می‌کرد. ابتدا تصور کردم که شخص دیگری در زندگی شقاقی است اما این‌طور نبود.

■ **پس علت این کم محلی‌های او چه بود؟**

اتقدا راصر ار کردم که واقعیت را گفت. شقایق گفت از ظاهر من خوشش نمی‌آید و نمی‌تواند جلوی دوستانش من را به‌عنوان نامزد یا همسر آینده‌اش

معرفی کند. می‌گفت همه دوستانش و همسرانشان بی‌نی عمل کرده‌اند دندان‌هایشان مرتب و سفید کرده است و ظاهر امر روزی زیبا دارند. بعد هم گفت اگر جواب مثبت از من می‌خواهی باید کمی به ظاهر ت برسی.

■ **چه شد که به سرقت رسیدید؟**

مانده بودم سر دو راهی، از یک طرف فکر و ذهنم پیش شقایق بود و از طرفی آنقدر بول نداشتم که هزینه عمل زیبایی



گوشی‌هایشان گرانتر است.

■ **به دستگیری فکر نمی‌کردی؟**

چرا فکر می‌کردم اما هم پلاک موتور را پوشانده بودم و هم صورتم را، از طرفی با خودم گفتم به اندازه پول عمل جراحی بینی و لمینت دندان‌هایم سرقت می‌کنم و بعد هم کار خلاف را کنار می‌گذارم. اما نشد نه تنها به عشقم نرسیدم بلکه آبرویم هم رفت و مجرم و سابقه دار شدم.

اشتباه محاسباتی

عامل سقوط هواپیمای آموزشی



گروه حوادث/اشتباه محاسباتی خلبان هواپیمای آموزشی تک موتور باعث

برخورد هواپیما با تپه مجاور فرودآباد و سقوط آن شد. محمدرضا فلاح‌نژاد، دبیر ستاد پیشگیری، هماهنگی و فرماندهی عملیات پاسخ به بحران البرز در تشریح ماجرای سقوط هواپیما به ایرنا گفت: خلبان این هواپیمای آموزشی تک موتور که به همراه کارآموز خود در حال برخاستن از بانند فرودگاه بود به دلیل اشتباه محاسباتی به تپه مجاور فرودگاه آزادی نظرآباد برخورد کرد.

وی ادامه داد: این هواپیما هنگام برخاستن در مجاورت فرودگاه آزادی نظرآباد که در روستای صالحیه است به تپه برخورد کرده است. بنابر اعلام مرکز فوریت‌های پزشکی سرنشینان این هواپیمای آموزشی مجروح شدند. وی یاد آور شد: فعالیت فرودگاه آموزشی آزادی نظرآباد در زمینه اجاره هواپیماهای تفریحی است که محدوده پرواز هواپیماهای این فرودگاه استان البرز بوده و در برخی از موارد به سمت استان گیلان و سایر استان‌ها نیز می‌روند.

مهرداد بابایی، رئیس مرکز مدیریت فوریت‌های پزشکی استان البرز نیز گفت: ساعت ۰۸:۰۰ صبح جمعه چهارم مهرماه سقوط یک فروند هواپیمای تک موتور در فرودگاه احمدآباد نظرآباد به اورژانس البرز اعلام شد که بلافاصله دو دستگاه آمبولانس و یک فروند بالگرد اورژانس البرز به محل حادثه اعزام شد و برای انتقال هرچه سریع‌تر مصدومین با توجه به شدت جراحات وارده دو مصدوم این حادثه توسط بالگرد به بیمارستان شهید مدنی منتقل شدند. کاپیتان افشین کیا، مدیر فرودگاه آزادی نیز با اشاره به وقوع حادثه برای یکی از هواپیماهای آموزشی این فرودگاه و مصدوم شدن دوسرنشین، به ایستگاه گفت: حال هیچ کدام از دو مصدوم این حادثه وخیم نیست. این پرواز به صورت آموزشی و با یک هواپیمای دوسرنشینه حامل معلم خلبان و دانشجو در حال انجام بود.

■ **اجرای حکم**

با دستگیری متهم فراری، او به شعبه اول اجرای احکام دادسرای جنایی تهران منتقل شد. اما متهم همچنان منکر آزار و اذیت بود و گفت: من بی‌گناهم به همین خاطر فرار کردم. در این سال‌ها برای خودم کار و زندگی تشکیل دادم همسر و فرزند دارم اما اشتباهی که مرتکب شدم این بود که فکر می‌کردم دیگر کسی دنبال من نیست و تصمیم گرفتم خودروبی بخرم و آن را به نام خودم ثبت کردم اما همین موضوع باعث دستگیری‌ام شد.

از آنجایی که حکم اعدام امیر آماده اجرا بود، او درخواست اعاده دادرسی داد. با تأیید درخواست مرد جوان، پرونده بار دیگر به جریان افتاد و متهم برای دومین بار بعد از سال‌ها در شعبه هم عرض دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت.

امیر بار دیگر منکر آزار و اذیت شد و از طرفی پسر ۵ ساله که بعد از گذشت

۱۹ سال جوانی ۲۴ ساله شده بود در دادگاه مدعی شد که آن زمان کودکی بیش نبوده و حالا با گذشت این همه سال تصویر واضحی از متهم ندارد و نمی‌تواند با این شک و تردید کسی را مجازات کند.

پسر جوان گفت حتی اگر امیر همان فردی باشد که او را در کودکی اذیت کرده می‌خواهد او را ببخشد. بدین ترتیب با توجه به اظهارات شاکي پرونده و بخشش وی و همچنین انکار امیر، دادگاه پس از ۱۹ سال وی را تبرئه و آزاد کرد.



حکم صادر شده نیز به تأیید دیوانعالی کشور رسید.

■ **دستگیری بعد از ۱۸ سال**

در حالی که متهم این پرونده همچنان متواری بود، سرانجام کارآگاهان پلیس اوخر سال گذشته متوجه شدند وی در مدتی که فراری بوده ازدواج کرده و صاحب فرزند نیز شده است و در اطراف پایتخت سکونت دارد.

برملا شدن محل زندگی امیر، باعث شد تا کارآگاهان پلیس آگاهی راهی محل زندگی وی شده و او را با گذشت ۱۸ سال از این ماجرا دستگیر کنند.

روانه زندان شد. اما متهم در ادامه تحقیقات منکر ماجرا شد. امیر مدعی بود که شاکي او را اشتباه گرفته و مجبور به اعتراف روغین شده است. با این حال کیفرخواست وی به اتهام آزار و اذیت صادر شد اما پیش از اینکه دادگاه حکم را صادر کند، وی درخواست مرخصی چند روزه از زندان کرد.

امیر با گذاشتن وثیقه موفق شد از زندان خارج شود و دیگر به زندان بازنگشت. فرار متهم اما مانع صدور حکم نشد و قضات به صورت غیابی او را محاکمه و به اعدام محکوم کردند.

جنایت برای اثبات رفاقت

گروه حوادث/ پسر جوان بعد از اینکه در یک درگیری مردی را که برای همسر دوستش مزاحمت ایجاد کرده بود به قتل رساند، به قصاص محکوم شد اما توانست با جلب رضایت خانواده مقتول از مجازات مرگ رهایی یابد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این جنایت خیابانی حدود ۱۰ سال قبل رخ داد و در آن مرد جوانی به نام کامران به قتل رسید. با شروع تحقیقات کارآگاهان توانستند دو متهم را در این پرونده شناسایی و دستگیر کنند. سعید که به عنوان متهم اصلی تحت بازجویی قرار گرفته بود به پلیس گفت: من اصلا کامران - مقتول - را نمی‌شناختم. دوستم کوروش به من گفت که مردی برای همسرش مزاحمت ایجاد می‌کند از شنیدن این حرف خیلی ناراحت شدم چرا که کوروش را مثل برادرم دوست داشتم وقتی من در زندان بودم او به خانواده‌ام خیلی محبت کرده بود و من خودم را مدیون او می‌دانستم.



می‌خواستیم او را گوشمالی دهیم اما این اتفاق افتاد: سپس پلیس به تحقیق از همسر کوروش پرداخت اما شخص شد وی از مدتی قبل کامران را می‌شناخته است. بدین ترتیب پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارسال شد و هر سه متهم پای میز محاکمه رفتند. در جلسه رسیدگی به این پرونده

است در حالی که بعد فهمیدیم آنها همدیگر را می‌شناختند. در واقع من فریب حرف‌های دوستم را خوردم. در ادامه کوروش در جایگاه قرار گرفت و گفت: قرار ما قتل نبود . من مدتی قبل از حادثه متوجه شدم همسرم با کسی پنهانی صحبت می‌کند وقتی تلفن همراهش را بررسی کردم متوجه شدم مردی برایش پیام ارسال می‌کند سر این موضوع با همسرم درگیر شدم اما او به من گفت که کامران مزاحم او شده است. من هم حرفش را باور کردم. از سعید کمک خواستم تا کامران را تنبیه کنیم اما فکر نمی‌کردم کشته شود.

بعد از گفته‌های متهمان هیأت قضات وارد شور شدند و هر سه متهم را محکوم کردند. سعید به اتهام قتل عمدی به قصاص و کوروش به اتهام معاونت در قتل و همسرش به خاطر رابطه نامشروع به زندان و شلاق محکوم شدند. این حکم در دیوان عالی کشور به تأیید رسید.

اما با گذشت ۱۰ سال از ماجرا وقتی سعید برای اجرای حکم پای چوبه دار رفت اولیای دم در آخرین لحظات از قصاص گذشت کردند و سرانجام متهم به قتل از جنبه عمومی جرم در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت. وی این بار به قضات گفت: ۱۰ سال قبل، من جرم سرقت ۳ ماه زندان رفته و تازه آزاد شده بودم. سرگرم کار و نقاشی ساختمان بودم اما این ماجرا زندگی خدوم و خانواده‌ام را نابود کرد. من طعم مرگ را با تمام وجود چشیدم. ۱۰ سال با کابوس مرگ زندگی کردم اما حالا که خانواده مقتول رضایت دادند از قضات می‌خواهم در جرم من تخفیف قائل شوند تا بعد از ۱۰ سال آزاد شوم و بتوانم کنار خانواده‌ام با آرامش زندگی کنم.

پس از پایان جلسه قضات برای صدور حکم از جنبه عمومی جرم وارد شور